



صالح قاسمی، پژوهشگر حوزه جمعیت و عضو قرارگاه جمعیت وزارت کشور:

## مشکل فقط اقتصاد نیست ۴۷ متغیر روی فرزندآوری اثرگذار است



می‌دهد. بهره‌برداری بهتر از وقت و بهتر هزینه کردن منابع درآمدی خانواده و هوشمندتر شدن هزینه کرد خانواده با آمدن فرزند بیشتر می‌شود. آمدن فرزند ریسک طلاق قانونی را کاهش می‌دهد و همچنین بر اساس یکسری مطالعات اتفاقاً فرزند باعث کاهش طلاق عاطفی هم خواهد شد و روابط عاطفی والدین را پایدارتر می‌کند.



اگر قرار باشد آسیب‌شناسی در مورد سبک زندگی خانواده‌های ایرانی داشته باشیم، بیشترین آسیب متوجه چه بعدی است که مانع از تمایل خانواده‌ها به داشتن فرزند بیشتر می‌شود؟

علل فراوانی در این رابطه وجود دارد. بخشی تغییر نگرش‌هاست و زمانی که کار کردها و ارزش اجتماعی فرزند تغییر می‌کند نگاه به فرزندآوری هم تغییر خواهد کرد. همچنین سیاست‌های تعیین شده در دهه ۶۰ باعث شد تا الگوها تغییر کنند و از سوی دیگر مداخلات تحمیلی خارج از کشور مزید بر علت بود. رکود اقتصادی نیز مانع دیگر است و در کنار همه اینها رفتن به سمت تفکرات غربی‌گرایانه باعث کاهش تمایل به فرزندآوری می‌شود. کاهش تعداد فرزندان هم در نسل فعلی و هم در آینده روی کیفیت زندگی‌ها تأثیر می‌گذارد. خانواده‌های امروز به رغم

۴۷ متغیر روی موضوع فرزندآوری تأثیرگذار است که بخشی در حوزه اقتصاد و بخشی دیگر در حوزه اجتماعی و فرهنگی است. اساساً این موضوع، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، در حالی‌که مردم گمان می‌کنند فقط اقتصادی است. الگوی فرزندآوری حتماً ابعاد اقتصادی دارد اما صرفاً اقتصادی نیست و دلیل روشن آن کاهش تمایل به فرزندآوری در خانواده‌های متمول است

گذشت. سالمندان فردا مورد حمایت خانواده نخواهند بود و همین موجب کاهش کیفیت زندگی سالمندی می‌شود. بسیاری از خانواده‌ها مشکلات اقتصادی را عمده دلیل عدم تمایل برای فرزندآوری می‌دانند، با این حال باید پرسید چرا عمدتاً ما شاهد عدم تمایل وی تمایلی خانواده‌های متمول به فرزند بیشتر هستیم؟

متغیرهای مؤثر روی الگوی فرزندآوری متعدد است. ۴۷ متغیر روی موضوع فرزندآوری تأثیرگذار است که بخشی در حوزه اقتصاد و بخشی دیگر در حوزه اجتماعی و فرهنگی است. اساساً این موضوع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، در حالی که مردم گمان می‌کنند فقط مشکل اقتصادی است. الگوی فرزندآوری حتماً ابعاد اقتصادی دارد اما صرفاً اقتصادی نیست و دلیل روشن آن کاهش تمایل به فرزندآوری در خانواده‌های متمول است که باید برای این تغییر نگرش تبیین درست انجام داد.

**نگاه‌های ایجابی و حمایت‌های تشویقی چه میزان مؤثر بوده است؟**

زمان کمی برای تغییر الگوها فراهم بوده است. قانون قابل دفاع است اما به زمان بیشتری نیاز داریم تا نظر قطعی بدهیم و از سوی دیگر عزم و اراده بهتری برای این موضوع از سوی مدیران میانی نیاز داریم. خانواده ایرانی با هوشمندی، رفتار نظام مدیریتی را رصد می‌کند و اگر وقتی پنج سال آینده حمایت به ویژه مدیران میانی صداقت خود را برای حمایت از خانواده‌ها جهت فرزندآوری اثبات کنند می‌توانیم بگوییم قانون موفق بوده و الگوی فرزندآوری تغییر خواهد کرد. در غیر این صورت خانواده‌ها تصور می‌کنند مثل سایر قوانین اجرا نخواهد شد و ما اعتماد عمومی در این حوزه را از دست خواهیم داد.

سیده مریم ناظمی، کنشگر جوانی جمعیت:  
**اقتدار و اعتبار مادرانگی را  
برای زنان جامعه‌مان  
درست تبیین نکرده‌ایم**



سیده مریم ناظمی، کنشگر جوانی جمعیت در گفت‌وگو با «جوان» ضمن انتقاد از کم‌کاری‌های فرهنگی برای پرورش زن تراز اسلامی می‌گوید: ما زنان برجسته بسیار داریم، اما تراز تمدن‌سازی وجود ندارد و باید برای پرورش مادران و هویت آنها بیشتر از این فعالیت کنیم. در واقع ما اقتدار و اعتبار مادرانگی را برای زنان جامعه‌مان درست تبیین نکرده‌ایم.

وی ضمن تأکید بر این نکته که ناگاهی زنان ما نسبت به نقش و جایگاه مادری باعث شده است میل به فرزندآوری و دغدغه در این زمینه ضعیف شود بیان می‌کند: ما باید الگوهای معرفی و بعد این نمونه‌های موفقیت آمیز را برای زنان تبیین کنیم.

ناظمی در پاسخ به پرسش «جوان» درباره گرایش زنان غربی به فرزندآوری می‌گوید: اینگونه نیست که ما فکر کنیم زنان اروپایی اعتقاد زیادی به فرزندآوری دارند یا افراد مشهور آنها بر اساس همین اعتقاد اقدام به فرزندآوری بیشتر و تشکیل خانواده بزرگ‌تر می‌کنند. واقعیت این است که بسیاری از چهره‌های مشهور غربی فرزندآوری را نیز برای شهرت انجام می‌دهند و اساساً سیستم رسانه‌ای متمرکز کشورهای غربی بر این پایه تشکیل شده است.

به اعتقاد این کنشگر جوانی جمعیت، مبانی تمدن‌سازی اسلامی نه فرد و جامعه بلکه خانواده بوده که پایه اصلی آن زن است و اگر نسبت زن و تمدن‌سازی فراموش شود خانواده دچار چالش می‌شود.

وی می‌افزاید: مدیریت و اجرای امور در خانه بازن است و با چنین رویکردی زن می‌تواند عزت نفس و توانمندی خود را روز بروز بیشتر از قبل افزایش دهد. باور توانمند بودن از زن یک مادر نمونه می‌سازد و تربیت نسل سالم را به دنبال دارد.

یکی از نکات مسود تأکید در گفته‌های ناظمی به موضوعات اقتصادی بر می‌گردد که درباره آن می‌گوید: مشکل اصلی امروز دغدغه اقتصادی برای فرزندآوری نیست بلکه مشکل اصلی به تدبیر اقتصادی برمی‌گردد.

به اعتقاد وی نه مشکلات اقتصادی، بلکه اولویت‌های اقتصادی است که باعث شده تا شاهد عدم تمایل به فرزندآوری باشیم. در واقع بسیاری از خانواده‌ها برای سفر نوروزی خود از ماه‌قبل پس‌انداز می‌کنند و حتی قید لباس و رستوران رفتن را می‌زنند، اما به فرزندآوری که می‌رسند مشکل اقتصادی را بهانه می‌کنند.

این کنشگر جوانی جمعیت به «جوان» توضیح می‌دهد: برخی جوانان امروزی حاضر نیستند محل زندگی خود را تغییر دهند و حتی چند کوچه پایین‌تر بروند تا شرایط را برای فرزند داشتن مهیا کنند اما در مقابل همان افراد چنین کاری را بر رفتن به یک سفر خارجی یا خرید خودروی لوکس انجام می‌دهند. وی تغییر الگوهای زندگی را در تمایل به فرزندآوری مؤثر می‌داند و می‌گوید: امروز زنان ما نقش مادرانگی را ضعف تلقی می‌کنند و این نقش را به جای آنکه قدرت و اعتبار بدانند، اتفاقاً بی‌اعتبار می‌دانند، در حالی که شرایط اقتصادی چون داشتن ماشین بهتر و وسیله زندگی لوکس‌تر را نقطه اعتبار فرض می‌کنند.

وی در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان این اعتبارسنجی را به زن ایرانی بخشید، می‌گوید: باید وفق روشن زن تمدن‌ساز اسلامی برای زنان ایرانی تبیین شود تا بدانند دین اسلام چگونه در قالب نقش مادری به آنها عزت داده است.

ناظمی ضمن قرائت و اشاره به آیهای قرآن بیان می‌کند: آیه «وَتُرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً وَتَجْعَلِيَهُمُ الْوَارِثِينَ» را باید برای زنان ایرانی تبیین کنیم تا بدانند قرار است آورنده نسلی باشند که جهان را تغییر می‌دهد. بقیین داشته باشند آنها وارثانی هستند که می‌توانند با نقش مادری خود جهان را دگرگون کنند.

وی توضیحاتی درباره خانواده شاد و موفق ارائه و خاطر نشان می‌کند: سندرمدی به نام «آشپانه خالی» داریم که بر اساس آن باید گفت در گذشته به دلیل فاصله نسلی بچه‌ها با یکدیگر در طول زمان هرگز آشیانه‌ها خالی از فرزند نبود، فرزندان کمک حال پدر و مادر خود بودند و روحیه و انرژی بهتری داشتند اما امروزه با تک فرزندی و کم‌فرزندی آشیانه روتور خالی می‌شود و کیفیت زندگی پدران و مادران پایین‌تر می‌آید.

**یوسف بیوک خان، کارشناس حوزه خانواده و پژوهشگر جمعیت:**

## وقتی تمرکز برنامه‌ها روی ازدواج و ثبات آن باشد مشکل فرزندآوری هم حل می‌شود

به فکر مسکن و پیشرفت بیشتر هستند. همچنین افزایش تورم باعث می‌شود که امید به آینده کاهش پیدا کند و حتی تمول هم باعث می‌شود تا ننگه‌های اقتصادی همان خانواده را نیز درگیر کنند. در نتیجه افراد خود را در معرض خطر می‌بینند. خانواده‌های متمول سبک زندگی متفاوتی دارند و فرزندآوری جایی در آن ندارد. در میان این خانواده‌ها مدلی از زندگی رقم خورده که تمایل به داشتن حیوانات خانگی و حتی روابط خود از ازدواج دارند که همه اینها باعث می‌شود میل به فرزندآوری کاهش پیدا کند. در واقع بحث مالی حاشیه است و مسائل اقتصادی به دلیل عدم ثبات مطرح می‌شود و اینگونه نیست که بگوییم از ترس فقر و گرسنگی تمایل به فرزندآوری ندارند.

به نظر شما دلایل کاهش تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری چیست؟  
امروز افراد برای تشکیل زندگی مشترک با چالش‌هایی مواجه هستند، این در حالی است که افراد آموزش‌دیده از ازدواج نمی‌بینند و شیوه ارتباط با همسفر را نمی‌دانند، بنابراین ازدواج‌ها مبتنی بر پیوندهای جدی عاطفی و خانواده محور نیست. همچنین موضوعات اقتصادی روی برخی زوایای زندگی تأثیرگذار است و در کنار آن سبک زندگی افراد شیوه دیگری گرفته است. قناعت کم‌رنگ شده و سبک زندگی به سمت تجملات و وسایل لوکس رفته است که همه اینها باعث شده است فرزندآوری دور از دسترس باشد و افراد فکر کنند هنوز زندگی کامل و جامعی ندارند. همچنین میانگین سن ازدواج بالا رفته است و فرصت کافی برای فرزندآوری وجود ندارد. مجموع این دلایل باعث می‌شود میل به تک فرزندی یا بی‌فرزندی وجود داشته باشد.

**عمدتاً در بحث تمایل به فرزندآوری مشکلات مادی ذکر می‌شود، در حالی که شاهد تک فرزندی در خانواده‌های متمول هستیم. ریشه این کم‌تمایلی یا عدم تمایل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

ریشه ماجرا نگرانی از آینده است. بحث اقتصادی معلول و میزان درآمد در حاشیه است. در شهرهای بزرگ و کلانشهرها برنامه‌ریزی برای فرزندآوری تحت‌الشعاع اقتصاد قرار می‌گیرد، چراکه زوجین واقع‌بین‌مدت برای خود دارند یا

همانگونه که در دهه‌های قبل تبلیغات منفی علیه فرزندآوری بود امروز باید طرحی و تبلیغات و شیوه‌هایی در پیش گرفت که فرزندآوری همسرم و این فرزند برای آنها هزینه‌تراش یا مانع نخواهد بود. ما نیازمند ایجاد اطمینان برای خانواده‌ها هستیم تا بدانند آینده خوبی برای فرزند خود رقم می‌زند. در کنار آن برای فرزندآوری باید اصلی‌روی ازدواج و دوام تشکیل خانواده باشد.



هر قدر مشوق مالی ارائه شود باز هم تمایل به فرزندآوری وجود نخواهد داشت. ارائه مشوق باید در کنار حل و ریشه‌یابی دلیل عدم تمایل به فرزندآوری باشد. یک موضوع مهم این است که شیوه ثابتی برای حمایت وجود ندارد، چراکه مشکلات یک فرد در کلانشهر با یک شهر کوچک فرق دارد و گاهی با ارائه برخی امکانات اتفاقاً مشکلات آن خانواده بیشتر خواهد شد.

راهکارهای پیشنهادی شما چیست؟  
ما باید مردم را در قانسون دخالت دهیم. این‌موضوع نیز مستثنی از دخالت دادن مردم در قانون نیست. بخشی از امور باید روی دوش مردم باشد - نه صرف دستوری برای ازدواج و فرزندآوری بلکه باید سیاست به صورت هوشمند باشد - آنها تکه‌ای از بازل هزینه‌تراش یا مانع محسوب شوند. در سفری که به شهری داشتیم یک مغازه متوسط معمولی که ساندویچی بین راهی محسوب می‌شد یک استخر توپ کنار مغازه گذاشته بودند و همین باعث می‌شد که نگرش خانواده‌ها نسبت به فرزند خود مثبت باشد و والدین تصور نمی‌کردند فرزند آنها باری بر دوش و مانی سر راه سفر و تفریح است بلکه استقبال این رستوران بین راهی از کودکان، خودش مشوقی برای فرزندآوری بود، چنانچه گویی یکی از بندهای جوانی جمعیت اجرا می‌شد.

همانگونه که در دهه‌های قبل تبلیغات منفی علیه فرزندآوری بود امروز باید طرحی و تبلیغات و شیوه‌هایی در پیش گرفته شود که مردم حس کنند جامعه به سمت فرزندآوری می‌رود و این فرزند برای آنها هزینه‌تراش یا مانع نخواهد بود. ما نیازمند ایجاد اطمینان برای خانواده‌ها هستیم تا بدانند آینده خوبی برای فرزند خود رقم می‌زند. در کنار آن برای فرزندآوری باید تمرکز اصلی روی ازدواج و دوام تشکیل خانواده باشد.



**به نظر شما فضاهای جدید شکل گرفته برای به دنیا آمدن فرزند در بیمارستان‌ها یا پرگزارای جشن‌های مختلف مانع فرزندآوری شده یا اینکه اتفاقاً مشوق برای خانواده‌است؟**

قطعاً مانع خواهد بود، چراکه عده معدودی نمایش تجمل دارند و مابقی افراد نگرانی مضاعفی می‌گیرند که ما حتی قادر به جشن معمول برای به دنیا آمدن فرزند خود نیستیم و همین باعث کاهش و عدم تمایل به فرزندآوری می‌شود، در حالی که نمایش تجمل نباید رویه باشد، چراکه احساس دور از دسترس بودن تجملات و زندگی کالایی میل به فرزندآوری را کاهش می‌دهد.

**در ادامه سؤال قبل باید پرسید که در کشورهای اروپایی و در میان افراد مشهور شاهد هستیم که استقبال زیادی از فرزند زیاد می‌شود و خانواده پر جمعیت را مصادیقی از خانواده شاد می‌دانند، در صورتی که در ایران شاهد عکس این مورد هستیم. دلیل ذهنیتی منفی نسبت به فرزندآوری در خانواده‌های ایرانی چیست؟**

ذهنیت منفی شکل نگرفته است، اتفاقاً اروپایی‌ها نمایشی از زندگی خود را به مردم نشان می‌دهند و فرزندآوری نماد متفاوت بودن از سایرین است. اتفاقاً آنها سعی دارند زندگی پایدار، تجملات و نمایش ظاهر زندگی خود را نشان دهند، در حالی که این برجستگی در بطن زندگی آنها وجود ندارد. ما در بسیاری از موارد می‌بینیم فرزندان این افراد خارج از خانواده است، بنابراین الگو برای جامعه ایرانی نیست. مشکل ما نمادسازی‌هاست. مقایسه باعث سست شدن خانواده‌ها نسبت به تمایل فرزندآوری می‌شود و خانواده‌ها گمان می‌کنند فرزند زیاد برای همان فرد اروپایی و آمریکایی مشکل و پولدار است که شامل آنها نخواهد شد. اتفاقاً نشان دادن و تمرکز بیشتر بر این موضوع باعث فاصله بیشتر جامعه می‌شود.